



تبیین سیاست ارفاقی با مجرمین سیاسی

فرشته محمد حسینی^۱

۱- فارغ التحصیل کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران جنوب
(fereshteh.m1217@gmail.com)

چکیده

امروزه هدفمندسازی نظام عدالت کیفری، سبب افتراقی شدن دادرسی کیفری و چندگانه و نامتجانس شدن سیاست جنایی در قبال جرایم، بزه کاران و بزه دیدگان گوناگون شده است و واکنش عادی جامعه درمقابل مجرمان سیاسی که غالباً تحت تأثیر آرمان های انسانی و نوع دوستی و افکار اصلاح طلبانه، دست به ارتکاب جرایم سیاسی می‌زنند و هدف، انگیزه و شخصیت آنان با بزه کاران عادی فرق دارد، نمی‌تواند اثر مثبتی داشته باشد. در واقع دغدغه اصلی این پژوهش پاسخ به این سوال است که دادرسی افتراقی در قانون ۱۳۹۵ جاسوسی، چه اثری در راستای دادرسی افتراقی و یا اعمال نظام ارفاقی در جرایم سیاسی داشته است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با منابع موجود کتابخانه ای و منابع اینترنتی انجام شده است. یافته های پژوهش تاکید گر این فرضیه است که اثر ماهوی و شکلی ویژه ای در راستای دادرسی افتراقی و یا اعمال نظام ارفاقی در جرایم سیاسی، از جمله افتراق در نوع یا میزان مجازات جرایم سیاسی در مقایسه با جرایم عمومی، پیش بینی موازین افتراقی در اعمال تخفیف، عفو و یا ممنوعیت مجازات های تکمیلی، تبعی و غیره نداشته است.

کلمات کلیدی: سیاست ارفاقی، مجرمین سیاسی، قوانین ماهوی و شکلی

۱- مقدمه

اصل نقد حاکمیت سیاسی، مطلوب و مقدس است؛ زیرا به کارآمدی و سلامت نهاد حکومت و پیشگیری از استبداد کمک می‌کند. جابجایی در قدرت به طور کلی برای جامعه مبارک است و فعال سیاسی بنا به فرض در این راستا اقدام می‌کند مجرم سیاسی که با انگیزه شرافتمندانه و خیرخواهانه درصدد اصلاح غلط هایی است که به تصور او در دیکته حاکمان وقت قرار دارد و از منشأ روشنفکرانه و آرمانی، خود را در معرض تضییقات احتمالی قرار می‌دهد مستحق اعمال رژیم ارفاقی در مقایسه با مجرمان عادی است. (موسوی مجاب، نعمتی، ۱۴۰۰، ۹۰) قانون جرم سیاسی با این هدف که از مجرمان سیاسی حمایت کند و همچنین مجرمان سیاسی استیفای حق داشته باشند در تاریخ اردیبهشت ۱۳۹۵ به تصویب رسید. عدم ارائه تعریف دقیق جرم سیاسی مهمترین ضعف این قانون است. هیچ ملاک و ضابطه دقیق و مشخصی برای سیاسی شناختن جرم انتسابی در این



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

قانون، ارائه نشده است. ماده ۱ این قانون جرم سیاسی را تعریف می‌کند.^۱ در ماده ۴ قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ استثنائات جرایم سیاسی ذکر شده است:^۲ منظور از آوردن این استثنائات مواردی است که با انگیزه و هدف سیاسی ماکور در ماده ۱ انجام گرفته باشد و گر نه این جرایم عادی؛ و از عداد جرایم سیاسی خارج هستند. مجرمان سیاسی معمولاً با انگیزه های پست و مادی، دست به ارتکاب جرم نمی‌زنند و غالباً افراد تحصیل کرده و برخوردار از فرهنگ هستند؛ در مورد جرم سیاسی بهتر آن است که حاکمان در عملکرد دقیق باشد و به وظایفش عمل کنند و دموکراسی را رعایت کنند تا زمینه وقوع جرم سیاسی پیشگیری شود.

اغلب کشورهای جهان، صرفاً اصل تفکیک جرم سیاسی از جرم عادی را به رسمیت شناخته اند و امتیازها و ارفاق ها را در مراحل تعقیب، دادرسی، تعیین مجازات، تحمل مجازات، آثار ناشی از محکومیت، و نظایر آن در مقررات کیفری خود پیش بینی کرده اند، بدون آنکه ماهیت یا حتی ویژگی ها و مصادیق جرم و مجرم سیاسی را معین کرده باشند. سنت تقنینی «پرهیز یا فرار از تعریف جرم سیاسی»، غیرقابل انکار است و اغلب کشورها، از جمله جوامع موسوم به توسعه یافته و پیشرفته، که نظام سیاسی لیبرال دموکرات دارند و به لحاظ مبانی تئوریک، مدعی مدارای سیاسی و رعایت حقوق جبهه مخالف اند، در عمل از تعریف جرم سیاسی طفره می‌روند و در مواجهه با جرایم ماهیتاً سیاسی، پاسخ های کیفری شدیدی را اعمال می‌کنند. البته، تأثیر گستردگی دامنه، ابهام و پیچیدگی پدیده های سیاسی و به تبع، تعریف ناپذیری جرم سیاسی را نباید فراموش کرد (رحمانی، ۱۳۹۵، ۹۳۳)

۲- تطور تاریخی جرم سیاسی

جرم سیاسی، اصطلاحی جدید است که سابقه تاریخی چندانی ندارد و دور از انتظار است که در فقه جزایی اسلام که خاستگاه و ریشه های تاریخی آن به حدود یک هزار و چهارصد سال پیش بازمی‌گردد، به صراحت نامی از جرم سیاسی یا چیزی شبیه آن برده شده باشد. لذا در فقه جزایی اسلام اصولاً عناوین مجرمانه، عناوین مشخص و تعیین شده ای است که جرم سیاسی از نظر مفهومی با هیچ کدام از آنها تطابق ندارد. در این نظام حقوقی، موارد و مصادیق بسیاری از جرایم خاص هستند که امروزه به راحتی می‌توان آنها را از مصادیق جرم سیاسی به شمار آورد. (الخفاجی، ۱۳۹۶، ۳۲)

در سال ۱۲۸۶ ه. ش، واژه جرم سیاسی با متمم قانون اساسی مشروطه به ادبیات حقوقی ایران وارد شد و از آن زمان تاکنون، تأویل ها، تفسیرها و فراز و فرودهای بسیاری در ارتباط با تعریف جرم سیاسی و مصادیق آن در عرصه سیاست ایران تجلی یافته است. از این منظر که تعریف جرم سیاسی و دایره گسترش آن با حقوق شهروندان (آحاد ملت) ارتباط نزدیک و مستقیمی دارد؛ لذا ضروری است که هرگونه تعریف حقوقی در این رابطه در تطابق کامل با قانون اساسی باشد؛ به این دلیل که قوانین عادی نمی‌توانند ناقض قانون اساسی کشور باشند. (زرگوش نسب، غیبی، ۱۳۹۱: ۲) با توجه به مطالب پیش گفته برای بررسی حقوقی تعریف جرم سیاسی که در ماده ۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به آن اشاره شده است، باید قانون اساسی کاملاً مورد توجه واقع گردد.

^۱ و مقرر می‌دارد که: «هر یک از جرائم مصرح در ماده ۲ این قانون چنانچه با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست های داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد، بدون آنکه مرتکب قصد ضربه زدن به نظام را داشته باشد جرم سیاسی محسوب می‌شود.

^۲ مباشرت، مشارکت، معاونت و شروع به جرائم زیر جرم سیاسی محسوب نمی‌شود: الف. جرائم مستوجب حدود، قصاص و دیات. ب. سوءقصد به مقامات داخلی و خارجی. پ. آدم ربایی و گروگان گیری. ت. بمب گذاری و تهدید به آن، هواپیمارمایی و راهزنی دریایی. ث. سرقت و غارت اموال، ایجاد حریق و تخریب عمدی. ج. حمل و نگهداری غیرقانونی، قاچاق و خرید و فرو سلاح، مواد مخدر و روانگردان. چ. رشاء و ارتشاء، اختلاس، تصرف غیرقانونی در وجوه دولتی، پولشویی، اختفای اموال ناشی از جرم مزبور. ح. جاسوسی و افشای اسرار. خ. تحریک مردم به تجزیه طلبی، جنگ و کشتار و درگیری. د. اختلال در داده ها یا سامانه های رایانه ای و مخابراتی به کار گرفته شده برای ارائه خدمات ضروری عمومی یا حاکمیتی. ذ. کلیه جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی اعم از جرائم ارتكابی به وسیله سامانه های رایانه ای یا مخابراتی یا غیر آن.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



تا قرن نوزدهم مجازات مجرمین سیاسی مرگ های وحشتناک و شکنجه های غیر انسانی، زنده به گور کردن، کور کردن و قطع اعضای بدن مجرمین به شدیدترین وجه ممکن بود و دولتها با مجرمین سیاسی رفتاری رفتاری بی رحمانه داشته داشتند؛ بکارها، عالم حقوق که برای لغو مجازات اعدام مبارزه می کرد در مورد جرایم سیاسی در مواقع بحرانی سیاسی معتقد به اعدام بود؛ و این نشان دهنده این است که احساسات علیه مجرمین سیاسی در این دوران شدید است. فرانسوا گیزو، از حقوق دانان برجسته اروپا بانی تحولاتی در افکار اروپائیان بود. زمانی که مکتب نئوکلاسیک به وجود آمد مجرمین سیاسی از وضعیت و امتیازات ویژه و خاص برخوردار شدند. محاکمه آنها در محاکم عمومی با حضور هیات منصفه، معافیت از استرداد مجرمین بین کشورها، استفاده از حق پناهندگی، عدم توقیف مجرمین سیاسی در مسائل جزایی به عنوان ضمانت اجراء برای تادیه جرمه و خسارت، کوتاه تر بودن مدت لازم برای اعاده حیثیت نسبت به جرایم عمومی، اعمال تعلیق تعقیب یا مجازات در جرایم جنحه در بعضی از کشورها، عدم استفاده از لباس متحد الشکل زندانیان، اعمال نشدن احکام تکرار جرم در مورد مجرمین سیاسی، معافیت از کارشمول عفو عمومی، عدم استفاده از آیین دادرسی مربوط به جرایم مشهود در بعضی از کشورها و... را می توان از امتیازات یاد شده نامید. (دهقانی، ۱۳۸۹، ۵۴)

به اعتقاد گیزو: جرایم سیاسی باعث تهدید تشکیلات کشور می شود ولی آرامش افراد را به هم نمی زند، گیزو می گوید، مجرمین سیاسی مسیر تاریخ را تسریع می کنند؛ در صورتی که اعمال مجرمین عمومی برای اجتماع مسیری قهقرایی دارد. (دهقانی، ۱۳۸۹، ۵۴) گاروفالو بیان می دارد که، جرم سیاسی جنبه تصنعی دارد و فاقد جنبه ضد اخلاقی است؛ و سیلک اعتقاد دارد که روح از خود گذشتگی و فداکاری و اعتقاد کامل به کاری که مجرمین سیاسی انجام می دهند آنها را به ارتکاب جرم سیاسی وادار می کند تا جایی که در مواقعی که قصد مرتکبین خیرخواهانه و شرافتمندانه نیست و بر اساس فساد و تباهکاری و خودخواهی است باز این فساد با فسادی که افراد را به جرم غیر سیاسی بر می دارد بسیار فرق دارد. (الخفاجی، ۱۳۹۶، ۳۴)

۳- جرم سیاسی

۳-۱- مفهوم جرم سیاسی

می توان گفت که هر فعل یا ترک فعل که مطابق قانون قابل مجازات یا مستلزم اقدامات تامینی و تربیت باشد جرم محسوب می شود. لذا هیچ امری را نمی توان جرم دانست مگر آنکه به موجب قانون برای آن مجازات یا اقدامات تامینی و تربیتی تعیین شده باشد. تعریف روشنی که می توان برای جرم سیاسی پیدا کرد این است که در حله جرم ناشی از فکر سیاسی باشد یا از یک موسسه و دستگاه سیاسی. در حله دوم به معنی اخص جرمی است که مخالف نظم سیاسی خارجی یا داخلی کشور باشد؛ مثل توطئه برای تغییر شکل حکومت. (دهقانی، ۱۳۸۹، ۳۲)

با توجه به تفاوت هایی که جرم سیاسی با جرم عمومی در خصوص برخورد با متهم یا مجرم سیاسی دارد. سیاسی شمرده شدن یک جرم نوع خاصی از رفتار با مرتکب آن را باعث می شود و آثار و شرایط قابل توجهی دارد. لذا تعریف آن واضح و روشن نیست و اینکه قانون اساسی به این نکته اشاره کرده است که تعریف جرم سیاسی را قانون تعیین می کند اما در هیچ کدام از متون قانونی تعریفی برای جرم سیاسی دیده نمی شود.

در اصل ۱۶۸ قانون اساسی از جرم سیاسی اسم برده شده ولی تعریف آن بر عهده قوانین عادی گذاشته شده است. جرم سیاسی به هر عمل مجرمانه ای اطلاق می شود که انگیزه ارتکاب آن سرنگونی نظام سیاسی و اجتماعی و اختلال در مدیریت سیاسی و صدمه به زمام داری کشور باشد این جرم ممکن است به تنهایی و یا همراه جرایم عمومی، اجتماعی و امنیتی ارتکاب یابد. (الخفاجی، ۱۳۹۶، ۳۶)

در اصطلاح فقهی جرم سیاسی یا بغی به عملی گفته میشود که گروهی از مسلمانان دارای تشکیلات قوی از فرمان و اطاعت ولی امر مسلمین در اثر شبهاتی بی پایه که برای آنان بوجود آمده، خارج گردیده با نیت و اختیار اعمالی را مرتکب شوند که خواه عمل از راه فساد فی الارض و محاربه و یا از راه جاسوسی برای دولت های بیگانه و یا جنگ مسلحانه با حکومت اسلامی و یا موارد دیگر انجام شود.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

جرایم سیاسی معمولاً به عنوان جرایم ضد امنیت کشور به شمار می‌روند که با ارتکاب آنها امنیت کشور مورد تهدید قرار می‌گیرد و در بعضی از موارد هدف مجرم سیاسی تغییر نهادها و سازمان‌های متشکل کشور است و مرتکبین این جرایم با توجه به اعتقادات خود دارای انگیزه‌های آرمانی هستند و عمل خود را نوعی عمل قهرمانانه می‌بینند. این اعمال بر علیه امنیت کشور با دارا بودن دو شرط اساسی جرم تلقی نمی‌شوند: الف) نداشتن مشروعیت نظام حاکم به اعتقاد مردم. ب) همراهی اکثریت مردم جامعه با مرتکبین این اعمال.

لذا به نظر می‌رسد که طرح موضوع «جرم سیاسی» این معنی را به ذهن متبادر می‌کند که «جرم» حداقل در دو معنی کلی «عادی» و «سیاسی» قابل تقسیم و تعریف است.

«جرم سیاسی» عملی است که با نظم سیاسی حاکم در یک کشور سازگاری ندارد. هدف مجرم سیاسی به طور آشکار و یا پنهانی، به زیر سوال بردن حاکمیت موجود در جامعه به نفع مردم است. مجرم سیاسی داعیه دار تفکری است که به نفع مردم یک کشور است؛ به همین دلیل در نظر بعضی اندیشمندان و برخی از قوانین کیفری جهان از آن به عنوان جرم «پاک» نیز نام برده می‌شود؛ به این دلیل که انگیزه انجام آن شخص نیست بلکه منفعت همگان است. (الخفاجی، ۱۳۹۶، ۳۸)

مکاتب و نظریه‌های سیاسی اجتماعی از جرم سیاسی تعاریف مختلفی ارائه کرده‌اند. به طور کلی منشاء قوانین را قراردادهای عرفی می‌دانند، جرم سیاسی را «هرگونه حمله و تجاوز علیه وجود یا حاکمیت دولت، یا بر ضد حقوق رئیس دولت، یا یکی از اعضای حکومت، از آن جهت که عضو حکومت است یا بر ضد قانون اساسی کشور یا بر ضد حقوق سیاسی یا انتخاباتی مردم، یا بر ضد حسن روابط با کشورهای خارجی» می‌دانند. در قوانین کیفری ایران، جرمی سیاسی پنداشته می‌شود که در آن تجاوز از حد اعتدال صورت گیرد و نفع شخصی در کار نباشد. در قانون اساسی ایران تعریفی دقیقی از جرم سیاسی نشده است اما وجود هیات منصفه را در دادگاه رسیدگی کننده به جرایم سیاسی لازم دانسته است. در قوانین کیفری و حقوقی ایران مانند دیگر کشورها به روشنی از جرم سیاسی تعریفی ارائه نشده است. ولی از میان تعریف‌های موجود این تعریف به نظر می‌رسد کامل تر باشد:

«فعل یا ترک فعلی که مطابق قوانین موضوعه قابل مجازات است، هرگاه با انگیزه سیاسی علیه نظم سیاسی مستقر و حاکمیت دولت و مدیریت سیاسی کشور و مصالح نظام جمهوری اسلامی یا حقوق سیاسی، اجتماعی، فرهنگی شهروندان و آزادی‌های قانونی آنها ارتکاب یابد، جرم سیاسی به شمار می‌آید، مشروط بر آن که مقصود از ارتکاب آن نفع شخصی نباشد.»

تهدید امنیت داخلی و خارجی کشور، تهدید مصالح مردم در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی از شرایط جرم سیاسی در ایران است که می‌تواند با تفسیر عرفی یا شرعی این تهدیدها، دامنه ارتکاب جرم سیاسی گسترده تر یا محدودتر شود. وبه علت شرعی بودن منشاء قوانین ایران تجاوز از محدوده‌هایی که شرع و مذهب برای افراد تعیین کرده اگر با انگیزه نفع شخصی نباشد، جرم سیاسی تلقی می‌شود. (الخفاجی، ۱۳۹۶، ۳۹)

جرم سیاسی دارای شرایطی است که در برخورد با آن از قاعده «انصاف» و دآوری هیات‌های منصفه کمک گرفته می‌شود. با رعایت همین انصاف است که مجرم سیاسی لباس دیگر زندانیان رانمی‌پوشد، با آنها هم بند نمی‌شود، از لحاظ رفاهی نسبت به بقیه زندانیان از رفاه بیشتری برخوردار است و تصمیم‌گیری نسبت به آن متفاوت از دیگر جرم‌هاست. باتوجه به این مباحث درمی‌یابیم که جرم سیاسی، جرمی است که در مجموع، وجدان عمومی جامعه نسبت به دیگر جرایم حساسیت بیشتری به آن دارد. (دهقانی، ۱۳۸۹، ۴۹)

بنابراین اعمالی که به قصد براندازی نظام حاکم و یا بر هم زدن نظم موجود انجام می‌شوند اگر که برای آنها در قانون، مجازات تعیین شده باشد جرم سیاسی نامیده می‌شوند. عناصر متشکله جرم سیاسی مانند جرم عادی از عناصر قانونی، مادی و معنوی بنا نهاده شده، با این تفاوت که در بعضی از جرایم عمومی عنصر چهارمی که قصد اضرار به غیر است نیز خودنمایی می‌کند، در حالی که در جرایم سیاسی قصد مرتکبین عموماً خدمت به میهن، مردم، مبارزه با استبداد، ظلم و فساد و غیره است به هر حال دارای انگیزه و داعی شرافتمندانه می‌باشد.



۳-۲- جرم سیاسی در حقوق موضوعه ایران

همان گونه که گفته شد در بخش حقوق داخلی، تعریف جرم سیاسی با مشکلات فراوان و پیچیدگی هایی رو به رو بوده است. به این دلیل که حاکمیت ها همواره تلاش کرده اند جرایم سیاسی را از دیدگاهی خاص بنگرند و آنها را در چارچوب قوانین مربوط به جرایم عمومی مورد رسیدگی قرار دهند. در ایران هم چه پیش از انقلاب و چه بعد از انقلاب تعریفی از جرم سیاسی ارائه نشده است و این جرایم در زمره جرایم عمومی و با عناوینی متفاوت از ماهیت اصلی بررسی شده است.

قبل از انقلاب چه در قوانین مجازات عمومی و چه در قوانین خاص مانند: «قانون مجازات مقدمین علیه امنیت کشور»، تعدادی از جرایم سیاسی در شمار جرایم عمومی قرار گرفته اند و مجازات های سنگینی نیز برای آنها در نظر گرفته شده است. در ماده ۲۰ آیین نامه دادگاه زمان حکومت نظامی ۱۳۲۲، دادگاه نظامی موقت برای رسیدگی به جرایمی که در حوزه جرایم سیاسی قرار گرفته اند، صالح تشخیص داده شده است و کیفر این جرایم با استخراج از قوانین کیفری مصوب ۲۷ سرطان ۱۲۹۰، قابل تطبیق با تصمیم دادگاه اعلام شده است. همین طور در لایحه قانونی یکم مرداد ۱۳۳۴، جرم های مطبوعاتی آورده شده است، اما تعریفی از جرم مطبوعاتی سیاسی پیش بینی نشده است.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هم با این که طراحان قانون اساسی اصل ۱۶۸ را مستقلاً به موضوع جرم سیاسی اختصاص داده اند و ویژگی های «علنی بودن»، حضور «هیات منصفه» و تشکیل در محاکم دادگستری را از شرایط لازم برای رسیدگی به جرایم سیاسی قرار داده اند. در سال های اخیر اقدامات جدی از سوی مراجع ذی صلاح نسبت به تدوین قانونی جامع در مورد جرم سیاسی و نحوه رسیدگی به آن در محاکم دادگستری انجام گرفته است.

از زمان پذیرفته شدن رژیم مشروطه سلطنتی در ایران و به تصویب رسیدن متمم قانون اساسی جرم سیاسی در ادبیات حقوق قضایی ما ظهور کرد. نویسندگان متمم قانون اساسی مواد مربوط به جرم سیاسی را از حقوق کشورهای اروپایی خصوصاً بلژیک گرفته بودند. اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همان گونه مورد قانونگذاری قرار گرفته که در متمم قانون اساسی آمده بود. اما از لحاظ تقنینی پیشرفت قابل ملاحظه ای نداشته ایم. در قانون اساسی کشور ما برای جرم سیاسی، سه مزیت مهم مورد شناسایی قرار گرفته است: اول اینکه جرم سیاسی در دادگاههای دادگستری مورد دادرسی قرار بگیرد.

لذا محاکمه جرم سیاسی در دادگاههای ویژه روحانیت و یا در دادگاههای انقلاب که متکی به قانون اساسی نیستند و یا دادگاههای نظامی موقعیتی ندارد. جرم سیاسی با حضور هیات منصفه مورد دادرسی قرار بگیرد. و رسیدگی به جرایم سیاسی مطبوعاتی باید علنی باشد. به بیان دیگر، تحت هیچ عنوان و شرایطی نمی توان جرم سیاسی را محرمانه محاکمه کرد. (دهقانی، ۱۳۸۹، ۵۱)

درست است که در قانون مستثنیاتی برای دادگاه علنی شمرده شده مثلاً در مورد اعمال منافی عفت، محرمانه بودن به صورت استثنایی پذیرفته شده اما برای جرایم سیاسی مطلقاً غیر علنی بودن دادگاهها را پذیرفته است. در ذیل اصل ۱۶۸ مقرر شده تعریف جرم سیاسی با توجه به موازین اسلامی و چگونگی انتخابات هیات منصفه و اختیارات آنان در قوانین عادی معین خواهد شد.

۳- تفاوت مفهومی جرایم علیه امنیت با جرایم سیاسی

در کل می توان در جرایم سیاسی سه ضابطه را بررسی کرد، ضابطه ذهنی، عینی و مختلط. در مورد ضابطه ذهنی باید گفت که در این ضابطه قصد و هدف مجرم سیاسی مبنی بر انگیزه سیاسی جهت مقابله، ضربه زدن و اصلاح امور کشور مد نظر قرار می گیرد، عناوین مقابله با ضربه زدن، قبل از تصویب قانون جرم سیاسی در خصوص مفهوم جرم سیاسی کاربرد داشت و در قانون جرم سیاسی قانونگذار صرفاً از الفاظ (اصلاح امور کشور) استفاده نموده است و حتی در ذیل ماده ۱ قصد ضربه زدن به اصل نظام را از عنوان جرم سیاسی خارج نموده است. عده ای از نویسندگان در خصوص مبنای ضابطه ذهنی اعتقاد دارند که این نظریه از اواسط قرن نوزدهم، زمانی که از نظر خارجی دولتهای اروپایی از نوعی امنیت برخوردار بودند ولی اوضاع و احوال داخلی بعضی از کشورها خصوصاً فرانسه در انقلابهای پی در پی متشنج بود، مطرح شده است که جرم سیاسی نوع خاصی از



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



جرایم است و با جرایم عادی متفاوت است، به این دلیل که مجرم سیاسی دارای وسعت نظر و انگیزه شرافتمندانه است. (پیوندی، ۱۳۸۸:۹۶).

لذا با توجه به اینکه ضابطه ذهنی ظهور در احراز امور درونی به سختی صورت می‌گیرد، مقنن ایرانی در صدر ماده یک قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ ضابطه ذهنی را ملاک عمل قرار داده است، اصطلاح «با انگیزه اصلاح امور کشور» موید ضابطه ذهنی می‌شود و این در صورتی است که احراز این انگیزه دچار سلیقه‌های مختلف می‌شود و ممکن است باعث تضییع حقوق متهم و حتی سوءاستفاده متهم جهت بهره‌مندی از مزایای جرم سیاسی شود و مبهم بودن عبارت بر نقص اخیر این ضابطه، مزید علت می‌شود. در خصوص انتصاب ضابطه ذهنی در قرن نوزدهم به کشورهای اروپایی، از این مطلب نباید غافل شد که ضابطه ذهنی در حقوق اسلام نیز مبنا دارد.

در خصوص ضابطه عینی نیز باید گفت که در این ضابطه، نتیجه‌ای که از اعمال مجرم سیاسی به وجود می‌آید مهم است، به عبارت دیگر، آن چه که وجود خارجی پیدا می‌کند مبنایی برای جرم سیاسی قرار می‌گیرد که در این مورد نیز ایراداتی بر ضابطه وارد شد، مشخصاً بیان گردید که در صورت عدم انگیزه سیاسی و تحقق نتیجه سیاسی موجب سوءاستفاده مجرمین عادی را فراهم می‌نماید. مقنن ایرانی به طور سریع در راستای جلوگیری از این موضوع، برخی از جرایم را حتی در فرض تحقق نتیجه سیاسی از شمار جرائم سیاسی خارج نموده است، و ماده ۳ قانون جرم سیاسی نمایانگر این موضوع می‌باشد.

در خصوص ضابطه مختلط نیز باید گفت مطابق با ضابطه مذکور علاوه بر انگیزه سیاسی، ورود لطمه و به تعبیر ماده ۱ قانون جرم سیاسی، اصلاح امور کشور، تاثیرگذار در احراز مجرمیت و انتصاب عنوان سیاسی به مجرم می‌باشد. نظریه مختلط ترکیبی از ضوابط ذهنی و عینی است که به طور توأمان، متحقق می‌شود. همان گونه که بیان شد سایر ضوابط در جرایم سیاسی جنبه فرعی دارند و ضابطه عینی، ذهنی و مختلط مشهور می‌باشد که به طور اجمال مورد اشاره قرار گرفت.

اما در مورد استفاده ضوابط مذکور در قانون جرم سیاسی، به نظر می‌رسد که به طور مشخص نمی‌توان سیاست تقنینی قانون‌گذار ایرانی را تعیین نمود، زیرا در ماده ۱ قانون جرم سیاسی استعمال لفظ انگیزه در صدر ماده نشان می‌دهد که از ضابطه ذهنی تبعیت شده است، ظاهر ماده یک نشان گر این موضوع است. از طرفی در ماده ۲ قانون جرم سیاسی ضمن احاله به ماده یک و لزوم انطباق شرایط آن، تحقق خارجی موضوعات ماده ۱ را در قالب عناوین مجرمانه به شرح احصا شده در ماده ۲ تعیین نموده است، ظاهر ماده ۲ ضابطه عینی را اتخاذ نموده است. اگر چه قانون‌گذار در ماده ۱ و ۲ با ظاهر قانون از الفاظی که مبین ضوابط عینی و ذهنی می‌باشد، استفاده نموده است، اما به نظر می‌رسد نظریه مختلط به روح قانون نزدیکتر است، قابل ذکر است ظاهر ماده ۱ بر نظریه ذهنی تاکید دارد.

در مورد جرم سیاسی از دیدگاه علوم سیاسی نیز باید گفت که با عنایت به واژه و مفهوم سیاست در تطبیق و مقایسه آن با جرم سیاسی، این جرم محدوده وسیع و گسترده‌ای نخواهد داشت، چرا که اگر عملی در کشوری جرم‌انگاری شده باشد اما در کشور دیگر جرم محسوب نشود، نشان می‌دهد که با مفهومی نسبی روبرو هستیم. (بشیریه، ۱۳۸۲:۵۷).

از دیدگاه دیگر جرم محدودتر می‌شود به این معنا که این جرم به‌خصوص تنها تابع صلاحیت سرزمینی و در قالب حقوق داخلی یک مملکت مفهوم پیدا می‌کند نه قوانین و مصوبات بین‌المللی مثل میثاق‌ها و کنوانسیون‌ها.

در نهایت باید گفت که از منظر علوم سیاسی، جرم سیاسی جرمی است که مرتکب آن با توسل به رفتاری، اقدام به انتقاد یا اعتراض به وضع موجود حاکمیت می‌نماید و در قبال این رفتار مجرمانه، دارای انگیزه سیاسی و بهبود اوضاع موجود است نه کسب منابع مالی و قدرت و غیره، لذا می‌توان گفت که این مسیر اگر با قوه قهریه و نزاع و دیگر اعمال خشن همراه شود با مجازات شدید عقوبت می‌شود اما اگر با آرامش مانند بیان مطالب انتقادی در چهارچوب حزب و رسانه همراه باشد در اکثر کشورها جرم تلقی نمی‌شود اما در بعضی از کشورها نیز به همین میزان برای تحقق یافتن جرم سیاسی اکتفا می‌شود. (بشیریه، ۱۳۸۲:۱۷۱). در مورد مفهوم جرم سیاسی از دیدگاه حقوقدانان اسلامی باید گفت در بین فقها، بعضی مانند آیت‌الله مرعشی مفهوم «جرم سیاسی» را با جرم «بعی» همسان می‌دانند. (زرگوش نسب، ۱۳۹۱:۱۱۷). و برای تعریف صحیح «جرم سیاسی» از مفهوم «بعی» استفاده کرده‌اند. با توجه به تعاریف و ضوابط تشکیل دهنده جرم سیاسی، مشخص است که در این جرم، بیشتر



انگیزه تشکیل دهنده جرم، انتقاد یا اعتراض به وضع موجود بوده است در صورتی که قصدی برای بر هم زدن اصل نظام یا کسب قدرت وجود ندارد، اما در جرایم امنیتی مثل همکاری با دول متخاصم و یا تبلیغ علیه نظام، پیش فرض قصد اقدام علیه نظام حاکم و تغییر اساسی ساختار نظام سیاسی و یا کسب قدرت وجود دارد و این یکی از مهمترین تفاوت‌های ماهوی جرایم علیه امنیت با جرایم سیاسی است که هیچ وقت نباید مفاهیم آنها را با یکدیگر خلط نمود، به خصوص که مقنن نیز با تصویب قانون اختصاصی در حوزه جرم سیاسی، اشتباه‌های تفسیری در خصوص یکسان پنداشتن جرم سیاسی با جرایم امنیتی را پایان داده و این دو حوزه را از یکدیگر جدا نموده است.

۴- سیاست کیفری افتراقی

سیاست به طور مختصر در لغت عبارت است از درک، تدبیر و اداره مسایل و امور جامعه، لذا سیاست کیفری از یک طرف با تجزیه و تحلیل و فهم یک امر خاص در جامعه، یعنی پدیده مجرمانه و از طرف دیگر، با عملی ساختن یک استراتژی به منظور پاسخ به وضعیت‌های بزهکاری یا کژروی در ارتباط است. با توجه به این توضیحات می‌توان گفت که لغت سیاست کیفری ترجمه واژه معادل فرانسوی یا انگلیسی آن است که فوئر باخ دانشمند آلمانی قرن نوزدهم از اولین اندیشمندانی است که آن را به کار برده است. سیاست کیفری در لغت مجموعه اقدامات سرکوبگر و کیفری است که دولت به وسیله آنها در مقابل جرم، واکنش نشان می‌دهد. (لواسور، ۱۳۷۲: ۳۹۸).

در کل سیاست کیفری مفهومی است که درباره آن از گذشته تاکنون مباحث گسترده صورت گرفته است و بعضی وقتها کار به مجادله انجامیده است. روشن است که هر کشوری با توجه به معیارها و آرمان‌های مورد قبول اکثریت جامعه خویش، یک سیاست کیفری متناسب را در مقابله با بزهکاری به کار می‌برد. می‌توان گفت هر کشوری یک تعریفی از سیاست کیفری به عمل می‌آورد. سیاست کیفری از پر کاربردترین اصطلاحات و مفاهیم علوم جنایی است. وقتی سیاست کیفری را در تعریف موسع آن در نظر می‌گیریم، به معنای پاسخ کل جامعه به مشکلات ایجاد شده به وسیله پدیده جنایی است.

سیاست کیفری رشته‌ای است که حسب یافته‌های فلسفی و علمی و طبق مقتضیات تاریخی کوشش می‌کند تا به تدوین نظریه‌های کیفری و پیشگیری جرایم که در عمل مفید واقع گردد، بپردازد. (نوربها، ۱۳۷۰: ۱۳۲).

همینطور می‌توان گفت که سیاست کیفری مجموع روش‌ها و شیوه‌های لازمی است که به قانونگذار پیشنهاد می‌شود، یا این که در یک زمان و مکان خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد تا به این طریق بتواند علیه بزهکاری به مبارزه‌ای جدی بپردازد و در ریشه کن کردن و نابودی آن موفقیت حاصل کند. لذا، سیاست کیفری قبل از آن که یک علم باشد، یک فن است که هدفش کشف و شکل دادن عقلایی و منطقی بهترین طریقه‌های ممکن برای حل مسائل مختلفی است که پدیده مجرمانه از نظر شکلی و عملی به وجود می‌آورد. (نجفی توانا، ۱۳۸۶: ۵).

سیاست کیفری، دانش نوپایی بوده و در عمر کمتر از ۲۰۰ ساله خود نظریات مختلفی را به دنبال داشته است، اما به تدریج جرایم و کیفرهای جدید به موازات تحولات اجتماعی، علمی، صنعتی و فن‌آورانه وارد حقوق کیفری شده است و عصر برخورد یکسان با بزهکاری به پایان خود رسیده است. تنوع جرایم، بزهکاران و بزه‌دیدگان از جهت گونه شناسی، ضرورت تنوع در راهبردها و پاسخ‌ها و به طور کلی تنوع در سیاست کیفری را نمایان ساخته است.

بنابراین از اواخر قرن بیستم، افتراق، لایه بندی و یا طبقه بندی در سیاست کیفری به عنوان یک راهبرد موثر در مبارزه با جرم وارد مطالعات سیاست کیفری شده است. (لازرز، ۱۳۹۲: ۵۵).

از این سیاست کیفری با عنوان سیاست کیفری افتراقی یاد می‌شود، با توجه به تعریف سیاست کیفری می‌توان سیاست کیفری افتراقی را اینچنین تعریف کرد که مجموعه شیوه‌ها و روش‌هایی است که به وسیله آن، مجموعه دولت و جامعه مدنی پاسخ‌های کیفری و غیرکیفری خود در مورد پدیده مجرمانه را بر اساس شرایط و مقتضیات گونه‌های مختلف بزه، بزهکار، بزه‌دیده و یا بر حسب مقتضیات هر دو قسم بزه و بزهکار سازماندهی می‌کند. (حسنی، ۱۳۹۷: ۱۴۶).



۵- سیاست ارفاقی به جرم سیاسی

۵-۱- سیاست ارفاقی به جرم سیاسی در قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵

مهمترین ضعف قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵، عدم ارائه تعریف دقیق جرم سیاسی است. همان طور که گفته شد این مشکل، فقط منحصر به قانونگذار ایران نمی‌باشد، بلکه در اکثر کشورها، تعریف یکسانی از جرم سیاسی وجود ندارد. اما اکثر حقوقدانان و نظام های حقوقی مشهور هرگونه اقدامی که با انگیزه شرافت مندانه علیه نظام سیاسی کشور صورت گیرد یا هر نوع اقدام علیه نحوه حکومت و چگونگی حکمرانی را جرم سیاسی تلقی می‌کنند (پیوندی، ۱۳۸۲، ۹۱) در این قانون، هیچ ملاک و ضابطه دقیق و مشخصی برای سیاسی شناختن جرم انتسابی، ارائه نشده است. شاید به همین دلیل در ماده ۵ این قانون، تشخیص سیاسی بودن اتهام را بر عهده دادسرا یا دادگاهی قرار داده است که پرونده در آن مطرح شده است. نبود تعریف دقیق جرم سیاسی و عدم ارائه ضابطه های همگانی و عمومی برای تمایز جرم سیاسی از سایر جرائم، باعث می‌شود که نظام حاکم بتواند منتقدین سیاسی خود را در ذیل نام های دیگر و تعاریف و عناوین دیگری از شمول این قانون خارج کند و آنان را از دسترسی به مزایای مندرجه در قانون اساسی و در این قانون برای مجرمین سیاسی، محروم سازد و موجب تضییع حقوق آنان شود. اگر تعریف اجمالی فوق را بپذیریم، شمار زیادی از متهمینی که تحت عنوان «جرائم امنیتی» یا «جرائم ضد انقلابی» محاکمه می‌شوند، تحت شمول جرائم سیاسی قرار خواهند گرفت و در نتیجه از مزایای اصل ۱۶۸ قانون اساسی و از مزایای همین قانون جرم سیاسی بهره مند خواهند شد. آنچه در ماده ۱ این قانون آمده تعیین مصداق است و نه تعریف جرم سیاسی. (موسوی مجاب و نعمتی، ۱۴۰۰، ۹۷)

حال مساله این است که قانون را چگونه باید نوشت، الفاظ و کلمات را با آشنایی با زبان موضوع چگونه به کار برد تا عموم، بلکه آشنایان با آن زبان منظور قانونگذار را به درستی متوجه شوند. اهمیت این موضوع در وضع قوانین کیفری به مراتب بسیار بیشتر از قوانین دیگر است. ماده یک این قانون مثال خوبی است برای آنچه می‌خواهیم توضیح دهیم، به موجب این ماده کسی که مرتکب یکی از جرائم مندرج در ماده ۲ این قانون شود، مثلاً جرم توهین یا افترا «علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست های داخلی یا خارجی کشور» در صورتی که «با انگیزه اصلاح امور کشور» باشد و «قصد ضربه زدن به اساس نظام» را نداشته باشد، رفتار او جرم سیاسی محسوب می‌شود. جرم سیاسی باید بر اساس قانون، خارج از محدوده جرائم موجب حد، قصاص و دیه، و خارج از جرائمی باشد، که با هدف ضربه به اساس نظام و ارکان و پایه های آن واقع می‌شود؛ در نتیجه جرم سیاسی در جمهوری اسلامی، جرمی است با مجازات تعزیری که در آنها شخصی بدون آنکه قصد ضربه زدن به اصول و چارچوب های اصلی نظام جمهوری اسلامی یعنی دین و مذهب رسمی کشور و ابتدای نظام سیاسی بر ولایت فقیه، اسلامیت و جمهوریت را داشته باشد، با انگیزه نقد عملکرد حاکمان یا کسب یا حفظ قدرت سیاسی مرتکب یکی از جرائمی که به موجب قانون تعریف و مصدق آن تعیین می‌گردد، شود (کرمی، کرامتی معز، ۱۳۹۵، ۲۱۰)

چرایی شناسایی جرم سیاسی، به این نکته برمی‌گردد که در مقام سرزنش رفتار ضد اجتماعی، می‌توان و باید بین گونه های مختلف انگیزه تفاوت قائل شد. در واقع، توجه به نوع انگیزه مرتکب در مقام واکنش به جرم، مقتضای اصل عدالت است. در یک چشم انداز کلی، اصل نقد حاکمیت سیاسی، مطلوب و مقدس است؛ زیرا به کارآمدی و سلامت نهاد حکومت و پیشگیری از استبداد کمک می‌کند. جابجایی در قدرت به طور کلی برای جامعه مبارک است و فعال سیاسی بنا به این فرض در این راستا اقدام می‌کند (نوبهار، ۱۳۹۳، صص ۱۳۹). لذا، مجرم سیاسی که با انگیزه شرافت مندانه و خیرخواهانه درصدد اصلاح غلط هایی است که به تصور او در دیکته حاکمان وقت قرار دارند منشأ روشنفکرانه و آرمانی، خود را در معرض تضییقات احتمالی قرار می‌دهد (فرهودی نیا، ۱۳۸۸، ۸۴)

مستحق اعمال رژیم ارفاقی در مقایسه با مجرم عادی است. با آنکه اصل ۱۶۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قریب به چهار دهه پیش، قانونگذار عادی را مکلف به ارائه تعریف قانونی جرم سیاسی نموده است، اما پس از سال ها مناقشه و بحث بر سر طرح ها و لوایح متعدده، قانون جرم سیاسی در سال ۱۳۹۵ به تصویب رسید. فرض کلی و همیشگی قانونگذار در ضدامنیت قلمداد کردن جنبش ها و حرکت های اعتراضی و اصلاحی، به رغم انگیزه های اصلاح طلبانه مرتکبان (بدون مزدوری یا خشونت



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



طلبی (چندین دهه پس از وعده قانون اساسی در اصل 160 مبنی بر ضرورت تعریف و تعیین تکلیف جرم سیاسی از حیث شیوه دادرسی در قالب قوانین عادی، از موانع اساسی پیشروی تقنین بوده است. (موسوی مجاب و نعمتی، ۱۴۰۰، ۹۵)

۵-۲- در فقه

در فقه، تحت عنوان بغی از جرم سیاسی یاد می‌شود. تعریف و احکامی را که فقها در کتاب های فقهی بر این جرم ارائه داده اند، محدودتر از آن است که از آیات و روایات فهمیده می‌شود و بسیاری هم در کتاب ها و مقاله های خود به ذکر همان احکام و شرایط کفایت می‌کنند، در صورتی که این جرم، دایره ای گسترده تر دارد.

بغی در احادیث به معنای تجاوز از حد، عدول از حق، ظلم، طلب رفعت و گردن کشی و بزرگ فروشی است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷۶). در کتب علم اخلاق، بغی گاهی به معنای عصیان و سرباز زدن از اطاعت کسی که پیروی از وی واجب است آمده است. (نراقی، ۱۳۸۷: ۴۰۱). تفکیک دو عنوان بغی و محاربه از یکدیگر در قانون مجازات اسلامی قابل توجیه به نظر می‌رسد. موجه بودن تفکیک این دو عنوان از یکدیگر به این دلیل است که محاربه یک جرم علیه امنیت و بغی یک جرم علیه حکومت است. عنوان مجرمانه بغی در ماده ۲۸۷ ق. م. ا اینگونه بیان شده است «گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران قیام مسلحانه کند باغی محسوب و در صورت استفاده از سلاح، اعضای آن به مجازات اعدام محکوم می‌گردند»

نکاتی که در این ماده قابل بیان هستند عبارت هستند از اینکه این ماده به «گروه» اشاره کرده و به نظر می‌رسد که مقنن در ماده ۲۸۷ قیام مسلحانه را برخاسته از یک فعالیت متشکل و نظام مند می‌داند، به این دلیل که اگر چنین نبود، لزومی برای اشاره کردن به گروه و عدم اشاره به فرد در ماده مورد بحث وجود نداشت. در مورد حداقل تعداد نفرات تشکیل دهنده عنوان گروه نیز میتوان، با توجه به موارد اخیر الذکر و بر اساس تفسیر به نفع متهم کلمه «گروه» را تعدادی بیش از دو نفر دانست. (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۵: ۶۶).

نکته دیگر در خصوص ماده ۲۸۷ این است که منظور از قیام مسلحانه صرف اعلام این نکته از طرف یک گروه که آنها، به اصطلاح، وارد فاز مسلحانه علیه حکومت شده اند نیست، بلکه دست بردن به سلاح علیه اساس حکومت در عمل ضروری است. به اضافه عبارت «در صورت استفاده از سلاح» در ماده ۲۸۷ نشان میدهد که کسانی باغی محسوب می‌شوند که خود عملاً دست به سلاح برده باشند. چون اگر بنا بود که صرف اقدام به قیام مسلحانه از سوی گروه موجب باغی محسوب شدن همه اعضا و هوادارن آن شود و به بیان دیگر، اگر قید «در صورت استفاده از سلاح» به استفاده گروه و نه فرد خاص از سلاح اشاره می‌داشت، لذا، با توجه به این که ماده به قیام مسلحانه علیه اساس نظام جمهوری اسلامی ایران اشاره کرده است، و نیازی به ذکر قید «در صورت استفاده از سلاح» در ماده وجود نمی‌داشت. لذا، میتوان گفت که ماده ۲۸۷ به دو شرط مجزا اشاره کرده است. یکی، این که گروه علیه اساس نظام دست به اسلحه برده باشد، و دیگر این که متهم خاص نیز از سلاح استفاده کرده باشد. این نکته، از ماده ۲۸۸ نیز استنباط میشود. ماده مذکور اشعار می‌دارد: «هرگاه اعضای گروه باغی قبل از درگیری و استفاده از سلاح دستگیر شوند، چنان چه سازمان و مدیریت آن مرکز وجود داشته باشد به حبس تعزیری درجه سه و در صورتی که سازمان و مرکزیت آن از بین رفته باشد به حبس تعزیری درجه پنج محکوم می‌شوند.» قید «در صورتی که سازمان و مرکزیت آن از بین رفته باشد» الزاما به معنی آن نیست که مثلاً اعضای مرکزیت دیگر در قید حیات نباشند، بلکه مواردی را هم در بر می‌گیرد که آنان به دلایلی، مانند شناسایی شدن و به زندان افتادن، عملاً دیگر نقشی در اداره گروه نداشته باشند. ماده ۲۸۷ فعلی از ماده ۱۸۶ سابق مضیق تر شده است، زیرا طبق ماده اخیر الذکر، در صورت قیام مسلحانه گروه، «تمام اعضا و هواداران آن» که با علم به موضع آن گروه یا جمعیت یا سازمان به نحوی در پیشبرد اهداف آن فعالیت و تلاش موثری داشته اند، حتی اگر در شاخه نظامی شرکت نمی‌داشتند، محارب محسوب می‌شدند، البته به شرط این که مرکزیت تشکیلات همچنان باقی می‌بود.

در همین جا، به مناسبت، اشاره به این نکته مفید به نظر می‌رسد که علی رغم تلاش قانونگذار نسبت به تفکیک سه عنوان «محاربه»، «افساد فی الارض» و «بغی» از یکدیگر، این تفکیک چندان دقیق نیست و همپوشانی بین این سه مفهوم اجتناب ناپذیر به نظر می‌رسد. در نظر بگیریید که، شخصی برای مقابله با نظام و حتی براندازی آن، در یک محل دولتی مانند مجلس



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

شورای اسلامی بمب گذاری نموده و با منفجر کردن بمب کار گذاشته شده موجب جان باختن صدها نفر از نمایندگان مجلس، مسئولان دولتی و افراد عادی شود. چنین عملی، از باب اینکه نوعی قیام مسلحانه علیه اساس نظام جمهوری اسلامی ایران است، می‌تواند بغی و مشمول ماده ۲۸۷ باشد، و از این جهت که یک جرم گسترده علیه امنیت است، نیز می‌تواند افساد فی الارض بوده، و مشمول ماده ۲۸۶ قرار گیرد. از طرف دیگر، این عمل، نوعی سلاح کشیدن به قصد جان مردم و ارباب آن‌ها است که موجب نا امنی در محیط شده است و لذا می‌تواند، به استناد ماده ۲۷۹، محاربه هم محسوب شود. در چنین حالتی در واقع نوعی تعدد معنوی جرم رخ داده است. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ هرچند در جرایم قابل تعزیر حکم تعدد مادی را از تعدد معنوی جدا کرده، ولی در مورد جرایم موجب حد تنها به ذکر ماده ۱۳۲ بسنده کرده است. (گلدوزیان، ۱۳۹۴: ۳۲۱). این ماده چنین اشعار می‌دارد «در جرایم موجب حد، تعدد جرم، موجب تعدد مجازات است، مگر در مواردی که جرایم ارتكابی و نیز مجازات‌های آنها یکسان باشد و . . .» در مثال ذکر شده، شاید بتوان به استناد تبصره ۲ ماده مذکور حکم به اعمال مجازات اشد داد. طبق این تبصره «چنانچه دو یا چند جرم حدی در راستای هم و در یک واقعه باشند، فقط مجازات اشد اجرا می‌شود»

۵-۳- مصادیق جرم سیاسی در ایران

هدف نهایی از تعریف یک پدیده، در نهایت شناسایی مصادیق و موارد عینی و خارجی آن موضوع است، نه فقط بازی با الفاظ و مفاهیم ذهنی و انتزاعی (زینلی، پیشین، ص ۳۰). قانون جرم سیاسی نیز برای تبیین مفهوم این جرم، در کنار ارائه ضابطه قانونی (ماده ۱)، از روش احصای مصادیق (ماده ۲) بهره گرفته است. ماده ۲ قانون جرم سیاسی مقرر می‌دارد: «جرایم زیر در صورت انطباق با شرایط مقرر در ماده ۱ این قانون جرم سیاسی محسوب می‌شوند: الف) توهین یا افتراء به رؤسای سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس جمهور، وزراء، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای نگهبان به واسطه مسؤولیت آنان؛ ب) توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی که در قلمرو جمهوری اسلامی ایران وارد شده است، با رعایت مفاد ماده (۵۱۷) قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات؛ پ) جرایم مندرج در بندهای (د) و (ه) ماده (۱۶) قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۰/۰۶/۰۷؛ ت) جرایم مقرر در قوانین انتخابات خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا به استثنای مجریان و ناظران انتخابات؛ ث) نشر اکاذیب.

در ارتباط با عناوین مطرح شده از سوی قانونگذار به شرح مذکور در ماده ۲ صدرالذکر، این مطلب را نباید از نظر دور داشت که عنوان‌های یاد شده بویژه در بندهای «الف و ب»، عناوین واجد مجازات مصرح و ثابت قانونی است و صرف سیاسی اعلام داشتن آنها، فاقد اثر متوقع است؛ علاوه بر این، قانونگذار در ماده ۹ این قانون، برخی از مصادیق را از شمول جرایم سیاسی خارج دانسته است.^۱

لذا در نظام کیفری ایران، موارد مصرح در ماده ۲ این قانون، جرم سیاسی محسوب نمی‌شوند؛ مگر آنکه مرتکب «ضمن پذیرش اصل نظام جمهوری اسلامی ایران»، جرایم احصاء شده در ماده ۲ این قانون را «با انگیزه اصلاح امور کشور»، «علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور» ترتیب دهد. از طرف دیگر، با توجه به اینکه مصادیق جرم سیاسی در

^۱ ماده ۹ این قانون، در خصوص مصادیق سلبی جرایم سیاسی مقرر می‌دارد: «مباشرت، مشارکت، معاونت و شروع به جرایم زیر جرم سیاسی محسوب نمی‌شود: الف) جرایم مستوجب حدود، قصاص و دیات؛ ب) سوء قصد به مقامات داخلی و خارجی؛ پ) آدم ربایی و گروگان گیری؛ ت) بمب گذاری و تهدید به آن، هواپیمارمایی و راهزنی دریایی؛ ث) سرقت و غارت اموال، ایجاد حریق و تخریب عمدی؛ ج) حمل و نگهداری غیرقانونی، قاچاق و خرید و فروش سلاح، مواد مخدر و روان گردان؛ چ) رش و ارتشاء، اختلاس، تصرف غیرقانونی در وجوه دولتی، پول شویی، اختفای اموال ناشی از جرم مزبور؛ ح) جاسوسی و افشای اسرار؛ خ) تحریک مردم به تجزیه طلبی، جنگ و کشتار و درگیری؛ د) اختلال در داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی به کار گرفته شده برای ارائه خدمات ضروری عمومی یا حاکمیتی؛ ذ) کلیه جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی اعم از جرایم ارتكابی به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده یا غیر آن .



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ماده 2 این قانون، به قید حصر معین شده اند، جرایم غیر مصرح در این ماده، حتی در صورت انطباق با ضوابط ماده 1 این قانون، نمی‌توانند جرم سیاسی تلقی شوند؛ برای مثال توهین به مقام های ذکر نشده در بند «الف» ماده 2. از جمله اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای امنیت ملی - و حتی توهین به مقام معظم رهبری و بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی، اگر چه به انگیزه سیاسی صورت گیرد، جرمی سیاسی محسوب نمی‌شود. بر همین اساس، نقدی که به شیوه قانونگذاری در این قانون وارد می‌شود آن است که با وجود احصای مصادیق جرم سیاسی در ماده 2، تصریح به خروج برخی جرایم از شمول این قانون در ماده 3، بی مورد به نظر می‌رسد. مساله ای که نباید از آن غافل شد این است که جرم سیاسی، عنوان مجرمانه جدیدی نیست؛ بلکه وصفی است که به لحاظ انگیزه و یا آثار بر یک جرم عمومی بار می‌شود. در نظام عدالت کیفری ایران و با رویکرد قانون جرم سیاسی، سیاسی تلقی نمودن یک اتهام، جز اعمال نظام دادرسی افتراقی و حکومت برخی قواعد شکلی خاص در فرایند دادرسی - از جمله علنی بودن محاکمه و حضور هیأت منصفه - اثر ماهوی خاصی از حیث جزایی، بر عناوین مجرمانه یا نوع و میزان مجازات آنها نخواهد داشت.

۵-۴- ارفاق در رسیدگی به جرم سیاسی

هدفمندسازی نظام عدالت کیفری، سبب افتراقی شدن دادرسی کیفری و چندگانه و نامتجانس شدن سیاست جنایی در قبال جرایم، بزه کاران و بزه دیدگان گوناگون شده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲، ص ۵۴) و واکنش عادی جامعه در مقابل مجرمان سیاسی که غالباً تحت تأثیر آرمان های انسانی و نوع دوستی و افکار اصلاح طلبانه، دست به ارتکاب جرایم سیاسی می‌زنند و هدف، انگیزه و شخصیت آنان با بزه کار انعادی فرق دارد، نمی‌تواند اثر مثبتی داشته باشد. به همین دلیل به نظر اندیشمندان، نظام عدالت کیفری باید مجازات خفیف تر و رفتاری انسانی تر در مورد مجرمان سیاسی به کارگیرد و تا حد امکان درباره آنان، آیین دادرسی خاصی را اعمال شود (محمدی جورکویه، پیشین، ص ۷۸). این موضوع، تا حد زیادی به ماهیت جرم سیاسی و پیوند آن با علم سیاست بازمی‌گردد. به همین دلیل، از گذشته سپهر حقوق کیفری ایران، شاهد موازین دادرسی افتراقی و حمایتی در قبال مجرمان سیاسی بوده است؛ برای مثال می‌توان به عدم اعمال احکام تکرار جرم در مورد جرم سیاسی (ماده 26 قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ امکان برخورداری از عفو عمومی و خصوصی (مواد ۵۴ و ۵۵ ق. م. ع.)، تسریع در اعاده حیثیت (ماده ۵۹ ق. م. ع.)، عدم استرداد مجرم سیاسی (ماده ۸ قانون استرداد مجرمین مصوب ۱۳۳۹) اشاره نمود.

ماده ۵ قانون جرم سیاسی مصوب سال ۱۳۹۵، نحوه رسیدگی به جرایم سیاسی را به قانون آیین دادرسی کیفری ارجاع نموده است. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ و اصلاحات سال ۱۳۹۴، مقررات شکلی متعددی را در راستای دادرسی افتراقی جرایم سیاسی پیش بینی کرده است. نگاهی کلی به مواد قانون آیین دادرسی کیفری نشان دهنده آن است که بند «ث» ماده ۳۰۲ که ناظر بر رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی در دادگاه کیفری یک^۱ است، از اغلب مقررات و موازین پیش بینی شده در خصوص جرایم موضوع سایر بندهای ماده ۳۰۲ استثناء شده است؛ از جمله عدم امکان مداخله شهروندان در جرایم سیاسی مشهود در صورت عدم حضور ضابطان دادگستری (تبصره ۱ ماده ۴۵) و حتی عدم امکان مداخله دادستان، پیش از حضور بازپرس برای حفظ آثار و علائم، جمع آوری ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم (ماده ۷۷) عدم امکان انتشار تصویر متهمان سیاسی به منظور شناسایی آنان و یا تکمیل ادله (ماده ۹۶) ضرورت اخذ مجوز تفتیش و بازرسی منزل و محل کار متهمان سیاسی از رئیس کل دادگستری استان و حضور مقام قضایی در فرایند بازرسی (ماده ۱۳۸)، عدم امکان جلب متهم سیاسی بدون احضار قبلی (تبصره ماده ۳۹۱)

اعمال رژیم کیفری معتدل در مورد مجرمان سیاسی، به عنوان یک اصل راهبر پذیرفته شده است. (Ingraham, 1379, p. 319) صرف نظر از محور افتراقی رسیدگی علنی در حضور هیأت منصفه، تنها اثر به ظاهر جدیدی که قانون جرم سیاسی بر سیاسی انگاری یک جرم بار می‌نماید، ارفاق ها و امتیازهای مقرر در ماده 6 این قانون است. مجزاً بودن محل نگهداری در مدت

^۱ برابر ماده ۳۰۵ ق. ا. د. ک. « به جرایم سیاسی و مطبوعاتی ... به طور علنی در دادگاه کیفری یک مرکز استان محل وقوع جرم با حضور هیأت منصفه رسیدگی می‌شود. تبصره: احکام و ترتیبات هیأت منصفه، مطابق قانون مطبوعات و آیین نامه اجرایی آن است.»



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

بازداشت و حبس از مجرمان عادی، موضوع بند «الف» ماده مذکور، پیش از این نیز مطابق آیین نامه نحوه تفکیک و طبقه بندی زندانیان مصوب سال ۱۳۸۵ پیش بینی شده بود. به موجب ماده ۱ این آیین نامه، «نوع جرم» یکی از مبانی و ملاک های طبقه بندی ایشان است. ممنوعیت اجرای مقررات ناظر به تکرار جرم «موضوع بند» پ «ماده ۶ قانون جرم سیاسی، بازنویسی مفاد ماده ۱۳۸ قانون مجازات اسلامی است که مقرر می‌دارد: مقررات مربوط به تکرار جرم در جرایم سیاسی... اعمال نمی‌شود همین وضعیت در خصوص بند «ت» ماده ۶ در ارتباط با «غیرقابل استرداد بودن مجرمان سیاسی» و تکرار حکم مقرر در ماده ۸ قانون استرداد مجرمین مصوب ۱۳۳۹ وجود دارد.

حق ملاقات و مکاتبه با بستگان طبقه اول در طول مدت حبس، موضوع بند «ج» ماده ۶، به تفصیل طی مواد ۱۸۰ الی ۱۹۷ آیین نامه اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴، هم در خصوص ملاقات و هم مکاتبات، به رسمیت شناخته شده است. حتی آیین نامه مذکور در ماده ۱۸۲ خود، امکان ملاقات با سایر بستگان و دوستان محکوم رادر صورت درخواست با کسب اجازه از طرف رئیس مؤسسه یا زندان یا قاضی ناظر نیز میسر دانسته است. حق دسترسی به کتب، نشریات، رادیو و تلویزیون در طول مدت حبس، موضوع بند «چ» ماده ۶، پیش از این در آییننامه سازمان زندان ها به طور گسترده تر پیش بینی شده است. طی مواد ۱۴۷ الی ۱۴۴ آیین نامه مذکور، لزوم تأسیس کتابخانه ای به منظور برآوردن نیازهای علمی زندانیان مورد توجه قرار گرفته است و استفاده از مجلات و روزنامه های مجاز و نیز وسایل آموزشی، سمعی و بصری لازم و بهره گیری از وسایل ارتباط جمعی مجاز در این آیین نامه پیش بینی شده است.

۶- نتیجه گیری

طرح قانونی «جرم سیاسی» در اردیبهشت ۱۳۹۵ به تصویب نهایی رسید فلسفه لزوم تعریف جرم سیاسی در قانون اساسی رواداری و مسامحه نسبت به مجرمان سیاسی است و با عنایت به اینکه در جمهوری اسلامی به استناد اصل پنجاه و ششم قانون اساسی خداوند انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته و به استناد اصل ششم قانون اساسی امور کشور باید با اتکا به آرای عمومی اداره شود و تصدی مقام های سیاسی از طریق انتخابات عمومی و بدون ضرورت توس به زور و قهر صورت می گیرد بنابراین دولتمردان نباید در پی حفظ و دوام اقتدار شخصی باشند و رقبای سیاسی را تحم نکرده و با اندیشه سخت گیرانه از طریق محکومیت های شدید به برخورد با مخالفان بپردازند بنابراین در تعریف جرم سیاسی سعه صدر بیشتری ملحوظ شود و حداقل تعریف کنفرانس بین المللی ۱۹۳۵ را که جرائم علیه نحوه اداره حکومت راسیاسی تلقی می کند بپایرند و با اصلاح قانون مذکور در مجلس تعریف جامع توری از جرم سیاسی ارائه شود صرف نظر از عدم شفافیت قانون جرم سیاسی، این قانون که ماحصل چهار دهه تلاش و بحث بر سر مفهوم و گستره جرم سیاسی تلقی می شود، اثر ماهوی و شکلی ویژه ای در راستای دادرسی افتراقی و یا اعمال نظام ارفاقی در جرایم سیاسی، از جمله افتراق در نوع یا میزان مجازات جرایم سیاسی در مقایسه با جرایم عمومی، پیش بینی موازین افتراقی در اعمال تخفیف، عفو و یا ممنوعیت مجازاته ای تکمیلی، تبعی و غیره نداشته است.

مراجع

۱. بشیریه، حسین (۱۳۸۲) آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری و تاسیسی)، تهران: نگاه معاصر.
۲. پیوندی، غلامرضا (۱۳۸۸) جرم سیاسی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳. الخفاجی، احمد جاسم سلمان (۱۳۹۶) بررسی تطبیقی جرم سیاسی در حقوق عراق و ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد.
۴. جورکویه، محمدعلی (۱۳۸۰) «مبانی نظری برخورد ارفاقی با مجرمین سیاسی: تأملی در طرح جرم سیاسی»، رواق اندیشه، ش ۴: ۸۵ - ۹۴.
۵. حسنی، محمد (۱۳۹۷) «سیاست جنایی افتراقی در عهدنامه مالک»، نشریه حقوق اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۵۸: ۴۳ - ۸۵.
۶. دهقانی، علی (۱۳۸۹) «رویکرد امنیت گرا به دادرسی کیفری، مبانی، جلوه ها و چگونگی تعدیل آن با تاکید بر حقوق ایران» رساله دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تهران.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



۷. رحمانی، قدرت الله (۱۳۹۵) «تعریف جرم سیاسی: الزام غیرمصلحت گرایانه قانون اساسی» فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دور ۴۶، ش ۴: ۹۲۹-۹۵۵.
 ۸. زرگوش نسب، عبدالجبار و غیبی، سیده معصومه (۱۳۹۱) «بررسی فقهی جرم سیاسی بغی و نقش توبه در تخفیف مجازات آن»، نشریه معرفت سیاسی، سال ۴، شماره ۱: ۱۰۷-۱۲۶.
 ۹. زینلی، محمدرضا (۱۳۷۸) جرم سیاسی و حقوق جزای اسلامی، تهران، انتشارات امیر کبیر.
 ۱۰. فرهودی نیا، حسن (۱۳۸۸) «مجرمین سیاسی و حقوق آنان در قوانین موضوعه و پیشینه تاریخی - دینی» مجله کانون وکلای دادگستری (دوره جدید)، ش ۱۴، ۸۳: ۱۰۸.
 ۱۱. کرمی، داوود و هادی کرامتی معز (۱۳۹۵) قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ در بوته نقد فصلنامه تخصصی علوم سیاسی سال دوازدهم، شماره سی و هفتم: ۲۰۵ - ۲۲۰.
 ۱۲. گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۴) محشی قانون مجازات اسلامی، تهران: مجد.
 ۱۳. لواسور، ژرژ (۱۳۷۲) «سیاست جنایی»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشریه تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۱ و ۱۲: ۳۹۵ - ۴۳۶.
 ۱۴. لازرژ، کریستین (۱۳۹۲) درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میران.
 ۱۵. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۵) جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران: میزان.
 ۱۶. موسوی مجاب، سید درید و مژگان نعمتی (۱۴۰۰) بررسی سیاست جنایی تقنینی ایراندر قبال جرم سیاسی؛ از ضرورت جرم انگاری تا نحوه پاسخ گذاری کیفری، فصلنامه مدرس حقوق کیفری و جرم شناسی دوره ۱، شماره ۱: ۸۹ - ۱۲۰.
 ۱۷. نجفی توانا، علی (۱۳۸۶) «تعارض و انسداد در سیاست جنایی ایران»، نشریه تحقیقات حقوقی، سال اول، شماره ۱: ۱۴۵ - ۱۷۸.
 ۱۸. نوربها، رضا (۱۳۷۰) زمینه حقوق جزای عمومی، تهران: کانون وکلا.
 ۱۹. نراقی، مهدی (۱۳۸۷) جامع السعادات، جلد اول، نجف، نشر کلانتر.
 ۲۰. نوبهار، رحیم (۱۳۹۳) «جرم سیاسی، تقسیم بندی حد - تعزیر»، مجله پژوهش های حقوق جزا و جرم شناسی، ش ۳: ۱۳۳ - ۱۶۳.
۲۰. Ingraham, Barton. L (۱۹۷۹); Political Crime in Europe, U.S.A. University of California Press.